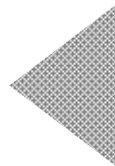


آشنایی با اصول حاکمیت شرکتهای بانکهای اسلامی در مقایسه با بانکهای متعارف



لیلا محرابی^۱

(تاریخ دریافت ۹۷/۱۲/۱۱ - تاریخ تصویب ۹۸/۳/۲۰)

نوع مقاله: علمی ترویجی

چکیده

حاکمیت شرکتهای مجموعه‌ای از نظام‌ها و فرآیندهایی است که با استفاده از ابزارها و سازوکارهایی موجب دستیابی به اهدافی همچون پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان می‌شود. با توجه به منافع حاکمیت شرکتهای در نظام بانکی و رشد قابل توجه فعالیت نهادهای مالی تأمین‌کننده خدمات بانکداری منطبق بر شریعت میان کشورهای مسلمان و غیرمسلمان، می‌توان اظهار داشت که ایجاد چارچوب حاکمیت شرکتهای اسلامی و بهبود آن در بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی به عنوان یک اصل ضروری برای اطمینان از تداوم موفقیت و رشد آنها در فضای رقابتی موجود از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. ساختار حاکمیت شرکتهای اسلامی با رعایت معیارهایی چون ارزش‌های اخلاقی و حفظ حقوق و منافع تمامی ذی‌نفعان (نه فقط سهامداران) در چارچوب قوانین شریعت نسبت به نظام بانکداری متعارف متمایز بوده، لذا اجرا و پیاده‌سازی و رعایت صحیح و واقعی حاکمیت شرکتهای نیازمند به مدیریت صحیح و نظارت اسلامی در بانک‌ها می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد، کنترل و نظارت شرعی، حسابرسی شرعی و مقررات داخلی بانک‌های اسلامی از فاکتورهای مهم ساختار حاکمیت

شرعی در بانک‌های اسلامی به‌شمار می‌رود. از این‌رو در این مقاله سعی شده است با روش تحلیلی-توصیفی پس از مروری بر مفهوم‌شناسی حاکمیت شرکتی در نهادهای مالی و ضرورت توجه به آن، چالش‌های حاکمیت شرکتی معرفی و چارچوب و اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی با توجه به اصول متعارف مورد بررسی قرار گیرد. در پایان نیز الزامات و پیشنهادهای در خصوص پیاده‌سازی و بهبود یک الگوی حاکمیت شرکتی موثر ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، بانکداری اسلامی، هیأت نظارت شرعی، استانداردهای

بین‌المللی حاکمیت شرکتی

۱- مقدمه

حاکمیت شرکتی به عنوان یکی از موضوعات مهم نظام بانکداری از دهه ۱۹۹۰ در انگلستان، آمریکا و کانادا در پاسخ به مشکلات ناشی از عدم اثربخشی هیأت مدیره در عملکرد شرکت‌های بزرگ مطرح شد و بعد از بحران آسیا در سال ۱۹۹۷ به سرعت به سایر بخش‌ها از جمله نظام بانکی تسری یافت. به طوریکه بانک‌ها و موسسات مالی سراسر جهان به اهمیت بالای حاکمیت شرکتی پی بردند و بر اجرای اصول آن در بانک‌ها تأکید کردند. در این میان، حاکمیت شرکتی را می‌توان مجموعه روابط میان هیأت مدیره، مدیر، سهامداران و کلیه ذی‌نفعان (از جمله کارکنان) تعریف نمود که تأمین‌کننده منافع کلیه ذی‌نفعان از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. علاوه بر این، حاکمیت در واقع تعیین‌کننده ساختاری است که توسط آن اهداف سازمان تدوین شده و ابزار دستیابی به این اهداف نظیر پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شوند.

از سوی دیگر، رشد شتابان بانکداری اسلامی در بازارهای مالی دنیا و اهمیت استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها باعث شده است که توجه بیشتری به ساختار اساسی نهادهای مالی اسلامی صورت گیرد. با این وجود ادبیات اندکی در مورد حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلامی و به ویژه ساختار حاکمیتی بخش مالی اسلامی وجود دارد و عمده مباحث مطرح‌شده در زمینه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری عمدتاً مربوط به نظام بانکداری متعارف است. این در حالی است که مدل‌های مورد استفاده در بانکداری متعارف به لحاظ شرعی نبودن پرداخت بهره در بانکداری اسلامی چندان کارایی ندارند و تشدید تعارض منافع در نظام بانکداری متعارف و

اسلامی مشکلات بسیاری را در این زمینه ایجاد می‌کند.

در این میان، ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند جهت کنترل و هدایت بانک‌های اسلامی به شیوه‌ای که بتواند حافظ منافع تمامی ذی‌نفعان شود زمینه کاهش هزینه‌ها را به عنوان یکی از مسائل کلیدی در حاکمیت شرکتی ایجاد می‌نماید. از سوی دیگر، در بانکداری اسلامی بایستی انطباق و هماهنگی فعالیت‌های مالی با اصول و معیارهای اسلامی مورد توجه قرار گیرد. لذا علاوه بر کنترل‌های داخلی، مبحث حاکمیت شرعی در بانکداری اسلامی تحت مسائل ریسک شریعت و نظارت شرعی و همچنین نقش شورای نظارت شریعت (SSB)^۱ به منظور انطباق عملکرد بانک‌ها با اصول اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. لذا، ایجاد چارچوب حاکمیت شرکتی اسلامی و بهبود آن در بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی با توجه به ماهیت متفاوت آنها نسبت به بانکداری متعارف به عنوان یک اصل ضروری برای اطمینان از تداوم موفقیت و رشد آنها در فضای رقابتی موجود از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد.

از این رو در این نوشتار تلاش شده است پس از مروری بر مفهوم شناسی حاکمیت شرکتی در نهادهای مالی و ضرورت توجه به آن، چالش‌های حاکمیت شرکتی معرفی و چارچوب و اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در پایان نیز الزامات و پیشنهاداتی در خصوص پیاده‌سازی و بهبود یک الگوی حاکمیت شرکتی موثر در نظام مالی اسلامی (از جمله ایران) ارائه شده است.

در ادامه مقاله، نخست پیشینه پژوهش تشریح می‌شود، سپس مفهوم‌شناسی حاکمیت شرکتی و انواع مدل‌های آن در نهادهای مالی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و سپس با بررسی حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی به معرفی چارچوب مقرراتی و اصول حاکمیت شرکتی در نهادهای مالی اسلامی می‌پردازیم. در بخش بعدی یافته‌های پژوهش و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادات بیان خواهد شد.

۲- پیشینه پژوهش

مرور ادبیات و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهشگران و صاحب‌نظران مختلفی در خصوص

حاکمیت شرکتي در بانکداری اسلامي مطالعاتي را انجام داده‌اند که در ادامه به آنها خواهيم پرداخت.

خاندلوا و الجفري (۲۰۱۶) به بررسی سازوکار حاکمیت شرکتي ۸۰ بانک اسلامي در بیش از ۱۰ کشور منتخب از جمله کشورهای حوزه خليج فارس می‌پردازد. در این مطالعه بانک‌های اسلامي از نظر درجه آزادی در سه گروه طبقه‌بندی شده و نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که مسائل مرتبط با حاکمیت شرکتي در بین گروه‌های مختلف بانک‌های اسلامي با توجه به ویژگی‌های آنها یکسان نیست. آنها معتقدند این مطالعه می‌تواند با تقویت و توسعه مباحث مرتبط با حاکمیت شرکتي برای متخصصان این حوزه در بانک‌های اسلامي، مشتریان و نهادهای قانونگذار از جمله بانک مرکزی و سایر سهامداران مفید واقع گردد.

محمود ابوظایجه (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به بررسی ماهیت و کاربرد اصول اسلامي حاکمیت شرکتي نسبت به اصول متعارف و مرسوم در این حوزه می‌پردازد. وی در تحقیقات خود با مقایسه اصول اسلامي با اصول منتشر شده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادي به این نتیجه می‌رسد که از دیدگاه اسلامي، حاکمیت شرکتي دارای افق وسیع‌تری است و جداسازی نقش‌ها و مسئولیت‌ها در جایی که تعهدات تحت حاکمیت و قوانین اسلامي قرار می‌گیرد، به راحتی امکان‌پذیر نیست. گریس و پلگرین (۲۰۰۶) در مقاله خود به بررسی اهمیت و چالش‌های حاکمیت شرکتي در موسسات مالی اسلامي می‌پردازند. آنها بر این عقیده هستند که ترتیبات و مقررات حاکمیت شرکتي بایستی متناسب با نیازهای نهادهای مالی اسلامي انجام گیرد. علاوه بر این، اطمینان کافی از هماهنگی عملیات با اصول مالی اسلامي و حفاظت از منافع ذی‌نفعان از جمله سپرده‌گذاران حساب‌های سرمایه‌گذاری از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که وجود حاکمیت شرکتي ضعیف می‌تواند هزینه‌های مالی سنگینی برای سهامداران نهادهای مالی اسلامي به همراه داشته باشد. علاوه بر این، مدیریت نامناسب در این نهادهای مالی در کاهش اعتبار آنها به عنوان کسب و کارهای ارائه‌دهنده خدمات منطبق بر شریعت نقش بسزایی دارد.

عمرچپرا و احمد (۲۰۰۲) به معرفی حاکمیت شرکتي و مباحث مرتبط با آن در سطوح مختلف قانونگذاران، بانک‌های اسلامي و سپرده‌گذاران در کشورهای منتخب اسلامي می‌پردازند. آنها پس از معرفی مکانیزم حاکمیت شرکتي در بانک‌های اسلامي به بررسی ابزارها پرداخته و نقش قانونگذاران و نهادهای نظارتي را در ایجاد یک حاکمیت شرکتي موثر و کارا بیان می‌کنند. نتایج

تحقیقات نشان می‌دهد نهادهای قانونگذار، هیأت شریعت، حسابرسی شرعی، آموزش در بانکداری اسلامی و بازار مالی اسلامی از فاکتورهای مهم در ایجاد یک حاکمیت شرکتی کارا در بانک‌های اسلامی به شمار می‌رود.

سیانکانلی و همکاران (۲۰۰۰) به ارایه چارچوب مفهومی برای حاکمیت شرکتی در بانک پرداختند. آنها با برجسته نمودن محدودیت‌های فرض رفتار بانک‌ها مانند سایر شرکت‌ها از منظر تئوری نمایندگی چارچوب مناسبتری برای تحلیل ارایه دادند. آنها با تاکید بر نقش قوانین و مقررات حاکم بر بانک‌ها به متمایز ساختن بانک‌ها از سایر شرکت‌ها پرداختند. آنها نشان دادند که قوانین و مقررات می‌تواند نیروهای بازار را در واکنش به بانک‌ها، مالکان و مدیران آنها تحت تاثیر قرار دهد و پیشنهاد نمودند که باید به قوانین و مقررات به عنوان نیروی برون‌سازمانی برای اصلاح سازو کارهای حاکمیت شرکتی نگاه کرد.

اسپانگ و سولیوان (۲۰۰۷) به بررسی تاثیر جنبه‌های مختلف حاکمیت شرکتی بر عملکرد نمونه‌ای متشکل از بانک‌های خاورمیانه پرداختند. آنها نشان دادند که مالکیت مدیر در بانک باعث بهبود عملکرد بانک خواهد شد. آنها همچنین نشان دادند که ترکیب اعضای هیأت مدیره تاثیر مثبتی بر عملکرد بانک دارد. آنها در نهایت به این نتیجه رسیدند که وقتی مدیران و اعضای هیأت مدیره منافع بااهمیتی در بانک دارند، ثروت و وضعیت مالی آنها تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر نگرش آنها به خطرپذیری و موازنه خطر و بازده بانک دارد.

پنی و واهاما (۲۰۱۲) با استفاده از اطلاعات بانک‌های بزرگ پذیرفته شده در بورس آمریکا به بررسی این موضوع پرداختند که آیا بانک‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی در بحران مالی، سودآوری بیشتر و عملکرد بازار بهتری داشته‌اند یا خیر؟ نتایج آنها نشان داد که بانک‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی در بحران مالی سال ۲۰۰۸ سودآوری بیشتری داشته‌اند و حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند تاثیر مثبتی بر عملکرد بانک داشته باشد. در کل نتایج آنها نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی قوی تاثیر مثبتی بر بازده بانک‌ها پس از بحران مالی دارد. به این معنا که حاکمیت شرکتی قوی توانسته است اعتبار بانک‌ها را در دوره بحران مالی حفظ نماید.

۳- مفهوم حاکمیت شرکتی و ضرورت توجه به آن

بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی

وجود ندارد. در واقع، تعاریف متعددی از سوی سازمان‌ها، نهادهای بین‌المللی و اشخاص صاحب‌نظر در خصوص حاکمیت شرکتی ارائه شده است که دارای حدود و دامنه گسترده‌ای می‌باشند، از این رو در ادامه به تعدادی از این تعاریف ارائه شده می‌پردازیم.

واژه حاکمیت شرکتی، معنای لغوی ساختاردهی و کنترل شرکت‌ها را با خود به همراه دارد. (بیسرکا، ۲۰۰۶) در دیدگاه‌های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. این، الگویی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی بیان می‌شود. در آن سوی طیف، حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذی‌نفعان دیده می‌شود. (یگانه، ۱۳۸۵) واژه حاکمیت شرکتی، معنای لغوی ساختاردهی و کنترل شرکت‌ها را با خود به همراه دارد. لذا نظام حاکمیت شرکتی مجموعه دستورالعمل‌ها، ساختارها، فرآیندها و هنجارهای فرهنگی است که شرکت‌ها با رعایت آنها به اهداف شفافیت در فرآیندهای کاری، پاسخگویی در مقابل ذی‌نفعان و رعایت حقوق ایشان دست خواهند یافت. سازوکارهای حاکمیت شرکتی باعث کم شدن مشکلات نمایندگی در شرکت‌ها شده و کیفیت این سازوکارها نسبی بوده و از شرکتی به شرکت دیگر متفاوت است. (مشایخ و اسماعیلی، ۱۳۸۵)

کمیته بال به عنوان یک نهاد بین‌المللی معتبر در زمینه نظارت بانکی، حاکمیت شرکتی را اینگونه تعریف می‌نماید: حاکمیت شرکتی نتیجه رابطه قوی بین دو نهاد درونی بانک و نهاد مالی بین‌المللی به عنوان کل است که هدفگذاری شایسته‌ای را در قالب اسناد راهنما ارائه می‌نماید. (کمیته بال، ۲۰۱۰) پارکینسون حاکمیت شرکتی را فرایند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران می‌داند. (پارکینسون، ۱۹۹۵) در تعریف مطرح‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول^۱ (IMF) و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۲ (OECD)، حاکمیت شرکتی سیستمی است که شرکت‌های تجاری (در تعریف عام، اعم از

۱- The International Monetary Fund

۲- Organization of Economic Co-operation and Development

مجموعه‌های اقتصادی نظیر بانک‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های سهامی و غیره) توسط آن اداره و کنترل می‌شوند. ساختار حاکمیت شرکتی تعیین‌کننده نحوه توزیع حقوق، حدود مسئولیت‌ها، لزوم و حدود پاسخگویی میان ذینفعان مختلف یک مجموعه نظیر مدیر عامل، هیئت عامل، سهامداران و سایر ذینفعان می‌باشد. استقرار حاکمیت شرکتی زمینه فراهم آمدن ساختاری بهینه متناسب با اهداف از پیش تعیین شده، نقشه راه جهت حصول به آنها و زمینه نظارت بر عملکرد را ایجاد می‌کند. (OECD، ۲۰۰۹)

ولف‌سون رییس پیشین بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ گفته است: "حاکمیت شرکتی در صدد ارتقای انصاف، شفافیت و پاسخگویی در شرکت است. (رودپشتی، ۱۳۸۹) فیانا و گرانت معتقدند حاکمیت شرکتی خوب به پیوند فاصله بین منافع موجود و همسویی آن در یک شرکت، از طریق افزایش اعتماد سرمایه‌گذار و کاهش هزینه سرمایه شرکت کمک می‌کند. در این راستا، این وضعیت در جهت اطمینان از ایفای تعهد شرکت، تعهدات قانونی‌اش و شکل‌های مختلف ایجاد ارزش مرتبط با ذی‌نفعان، نقش قابل توجهی را ایفا می‌کند. (تقی‌پوریان و خلیل‌پور، ۱۳۸۸)

فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۱ (IFAC) در سال ۲۰۰۴ حاکمیت شرکتی را چنین تعریف کرده است: حاکمیت شرکتی (حاکمیت واحد تجاری) عبارت است از تعدادی مسئولیت‌ها و شیوه‌های به کار برده شده توسط هیأت مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر استراتژیک که تضمین‌کننده دستیابی به هدف‌ها، کنترل ریسک‌ها و مصرف مسئولانه منابع است. با این اوصاف بررسی تعاریف و مفاهیم حاکمیت شرکتی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی یک مفهوم بین‌رشته‌ای است و تعاریف به تدریج از سطوح محدود و متمرکز بر حقوق سهامداران به سطوح گسترده‌تر مبتنی بر مسئولیت و پاسخگویی به همه ذی‌نفعان و نسل‌های آتی تغییر یافته است.

در این میان با توجه به دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی منتشره از سوی نهادهای معتبر، می‌توان گفت هدف نهایی حاکمیت شرکتی دستیابی به پاسخگویی، شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذی‌نفعان (مسئولیت‌پذیری) است که بر اساس مبانی OECD به شرح زیر است:

انصاف^۱: برخورد یکسان و با عدالت با همه سهامداران (چه بزرگ و چه کوچک)

شفافیت^۲: شفافیت در ارائه اطلاعات و در دسترس بودن آن از لحاظ مالی، حقوق و مزایا، حدود وظایف و الزامات پاسخگویی هیئت مدیره و ساختار آن

مسئولیت^۳: روشن بودن کمیت و کیفیت مسئولیت‌ها و تفویض اختیارات پاسخگویی^۴: هرگونه پذیرش و اختیار مسئولیت می‌بایست همراه با پاسخگویی باشد.

با مرور تعریف‌های یاد شده و تحلیل آنها می‌توان تعریف جامع و کامل زیر را ارائه کرد: «حاکمیت شرکتی قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان می‌شود.»

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که حاکمیت شرکتی بانک به بررسی جنبه‌های مختلف عملکرد آن می‌پردازد و موضوع حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به ویژگی‌های مدیران، ترکیب اعضای هیات مدیره و انگیزه‌های مالی و سایر انگیزه‌ها برای همسو کردن فعالیت‌های افراد دارای نقش کلیدی با منافع سهامداران بستگی دارد. در این مسیر ممکن است مدیران ارشد از میان سهامداران اصلی انتخاب شده و یا فردی استخدام شده به غیر از سهامداران باشند. لذا بیشتر مدیران بانک‌ها در ابتدا از سهامداران اصلی انتخاب می‌شوند، در صورتیکه سهامداران تجربه کافی در مورد هدایت عملیات روزمره بانک نداشته باشند و یا وقت کافی برای این کار نداشته باشند، در نتیجه استخدام مدیران حرفه‌ای لازم خواهد بود. مدیران حرفه‌ای شخص متخصص مورد نیاز برای هدایت مناسب فعالیت‌های بانک هستند که ممکن است بنا به دلایل مختلف از جمله نحوه انتخاب و انتصاب آنان، لزوماً انگیزه‌های لازم برای حداکثرسازی ثروت سهامداران نداشته و رفتار مدیر استخدام شده الزاماً در جهت تحقق منافع سهامداران نباشد. (اسپانچ و سولیوان، ۲۰۰۷)

۱- Fairness

۲- Transparency

۳- Accountability

۴- Responsibility

۳-۱- آثار و منافع یک حاکمیت شرکتی خوب

امروزه حاکمیت شرکتی با هدف دستیابی به پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان به عنوان ابزاری قدرتمند در راستای جلب اعتماد و اطمینان مردم به سازمانها تلقی می‌گردد. از این رو، حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی (مالی) و اجتماعی داشته باشد. شکل ۱، منافع یک حاکمیت شرکتی خوب را از جنبه‌های مختلف نشان می‌دهد. (لالیحاجی، ۲۰۰۹)

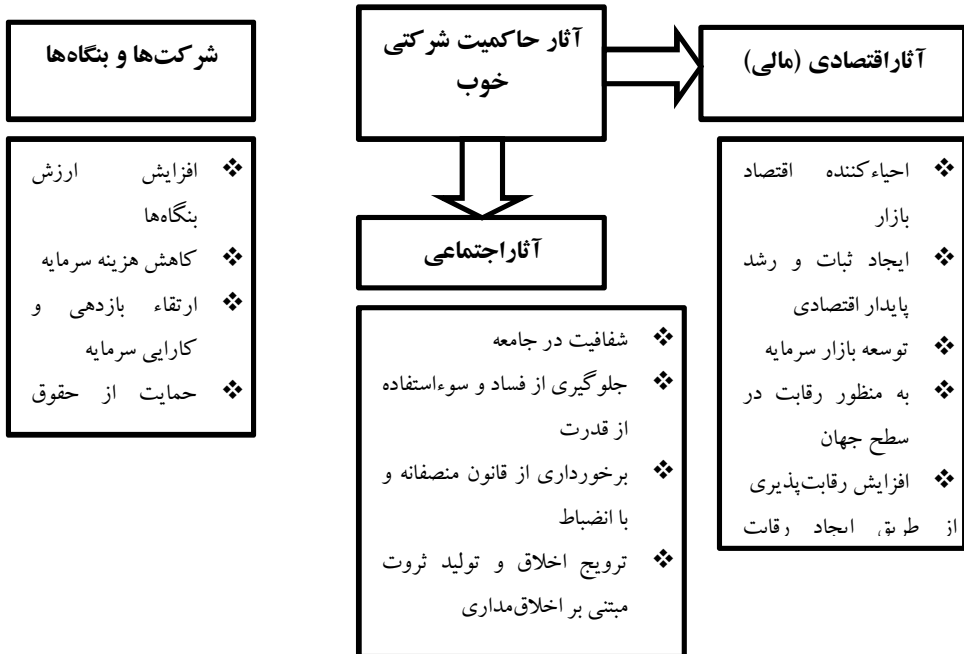
به طور کلی آثار حاکمیت شرکتی خوب در توسعه بخش مالی و بانکداری را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱- افزایش ارزش افزوده اقتصادی موسسات، دست‌یافتن به سودآوری بیشتر و احتمال پایین‌تر شکست‌های مالی نظام یافته.

۲- کاهش آسیب‌پذیری بازارهای نوظهور در برابر بحران‌های مالی، تقویت حقوق مالکیتی، کاهش هزینه مبادلات و هزینه سرمایه و سرانجام توسعه بازار سرمایه.

۳- ارتقای نظام نظارتی و مقرراتی برای ایجاد بازارهای مالی آرام و منظم.

نمودار شماره (۱) - منافع یک حاکمیت شرکتی خوب



۴- رسیدن به حداکثر سودآوری و کارآیی و حداقل فساد و سوءاستفاده از قدرت و فراهم کردن نظام پاسخگویی مدیریتی.

۵- افزایش نظم بازار، نظارت و حاکمیت شرکتی مانند شفافیت و ارایه اطلاعات کافی به عموم مردم.

۶- بهبود زیرساخت‌های سازمانی که شامل قوانین، استانداردها، استانداردهای هماهنگ حسابداری و نظام موثر پرداخت است.

۷- مدیریت موثرتر ریسک‌های بانکی با توجه به ارتباط آن با ساختار حاکمیتی بانک‌ها.

۲-۳- مدل‌های حاکمیت شرکتی در جهان

با توجه به اهمیت تأمین سلامت مالی فعالیت‌های ناشی از ریسک سرمایه‌گذاری برای سهامداران و ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد، می‌توان چهار نوع الگوی متنوع حاکمیت شرکتی را متناسب با ویژگی‌های مختلف این نظام معرفی کرد.

- الگوی مبتنی بر بازار (آنگلوساکسون): ویژگی این الگو بر تقسیم حقوق مالکیت بین سهامداران مقطعی استوار است. مزیت اصلی این الگو، سهولت جمع‌آوری سرمایه و توزیع ریسک سرمایه‌گذاران است.

- الگوی حاکمیت شرکتی مبتنی بر روابط: این الگو، مبتنی بر تمرکز مالکت و بازار سیال سرمایه می‌باشد. سهامداران شرکت‌ها به طور طولانی‌مدت دارای سهام بوده و در موقعیتی قرار می‌گیرند که می‌توانند رفتار مدیریت را نظارت نمایند، لذا هزینه‌های نمایندگی رخ نمی‌دهد. در این الگو، بانک‌ها با نگهداری بخش عمده‌ای از سهام شرکت‌ها بر مالکیت آنها مسلط می‌شوند و به طور مستقیم در عملیات شرکت شامل نظارت و تصمیم‌گیری، مشارکت می‌کنند. حاکمیت شرکتی در این الگو مبتنی بر روابط بوده و سرمایه‌گذاری‌های درون‌گروهی از ویژگی‌های الگوی مذکور به شمار می‌رود.

- الگوی حاکمیت شرکتی در حال گذار: کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و کشورهای استقلال‌یافته شوروی سابق، دارای اقتصادهایی مشتعل بر این نوع الگوی حاکمیت شرکتی می‌باشند. در این الگو، بازارهای سرمایه ضعیف و غیرفعال می‌باشند و شرکت‌ها از شکل دولتی به تدریج به شرکت‌های دارای سهامداران جزء تبدیل می‌شوند. نظام

حقوقی این کشورها همواره به سوی نظام‌های رقابتی در حال حرکت است و سازوکار مقابله با مشکلات حاکمیت شرکتی ضعیف بوده و حمایت از سرمایه‌گذاری چندان قوی نیست. لذا عدم انضباط مالی باعث شده‌است تا دولت شرکت‌های زیان‌ده را پشتیبانی کند.

الگوی نوظهور: در ادبیات حاکمیت شرکتی، تاکنون به این الگو کمتر پرداخته شده است. این الگو به پیروی از سازوکار حاکمیت شرکتی اقتصادهای موفق می‌پردازد. بازار سرمایه فعال، تبدیل موفق شرکت‌های دولتی به شرکت‌های خصوصی، وجود الگوهای مبتنی بر روابط و همچنین الگوهای مبتنی بر بازار، وجود بازارهای نوظهور مدیریت، نظام‌های حقوقی رسمی و کارکردی و وجود شرکت‌های خانوادگی و شرکت‌های عمومی از جمله ویژگی‌های این الگو می‌باشد. در این الگوی اقتصادی، حاکمیت گروه‌های تجاری و تقسیم سرمایه‌گذاری‌ها میان صنایع مختلف برقرار بوده و خانواده‌هایی وجود دارند که میزان زیادی از کنترل و مالکیت را در اختیار دارند.

در مجموع با توجه به الگوهای یادشده می‌توان گفت که هر کشور، ساختار حاکمیت شرکتی منحصر به فرد و یا عناصر تشکیل‌دهنده معینی دارد که از ساختار حاکمیت در سایر کشورها متمایز است. به طور کلی سه مدل حاکمیت شرکتی در کشورهای توسعه یافته تحت عناوین مدل انگلیسی و آمریکایی، مدل آلمانی و مدل ژاپنی وجود دارد که در تمامی مدل‌های حاکمیتی یادشده عوامل زیر دخیل می‌باشند:

- ذی‌نفعان کلیدی شرکت‌ها
- محیط مالکیت
- الگوی مالکیت سهام در کشور مورد نظر
- ترکیب هیئت مدیره
- چارچوب‌های قانونی
- الزامات شفافیت برای شرکت‌های سهامی عام در بورس
- اقدامات شرکتی که نیاز به تایید سهامداران دارند
- نحوه تعامل بین ذی‌نفعان کلیدی

➤ مدل حاکمیت شرکتی انگلیسی و آمریکایی^۱: در مدل انگلیسی و آمریکایی مالکیت سهم متعلق به افراد (به ویژه افراد وابسته به سازمان) بوده و سرمایه‌گذاران وابسته به سازمان نیستند و به عنوان سهامدار بیرونی شناخته می‌شوند. چارچوب قانونی به خوبی توسعه یافته و حقوق و مسئولیت‌های سه بازیگر اصلی در آن یعنی مدیریت، هیأت مدیره و سهامداران، به خوبی تعریف شده است. (مازولا، ۲۰۱۱)

➤ مدل حاکمیت شرکتی ژاپنی: ویژگی مدل ژاپنی این است که مالکیت سهام به میزان بالایی به بانک‌ها و شرکت‌های وابسته تعلق دارد. سیستم بانکداری، برای ایجاد یک ارتباط قوی و بلندمدت بین بانک و شرکت دارای چارچوب قانونی و سیاست عمومی و صنعتی به منظور پشتیبانی و ارتقای گروه ای صنعتی مرتبط شده با هم از طریق روابط تجاری است. هیأت مدیره اغلب از افراد داخل سازمان و تعداد نسبتاً کمی از سهامداران بیرونی تشکیل شده است و رویه‌های پیچیده برای اعمال رأی سهامداران وجود دارد. فروش سهام برای شرکت‌های ژاپنی دارای اهمیت است، لیکن، افراد داخل سازمان و افراد وابسته به آنها، عمده‌ترین سهامداران را در شرکت‌های ژاپنی تشکیل می‌دهند. در نتیجه، آنها نقش عمده‌ای در شرکت‌ها و سیستم حاکمیت شرکتی ژاپن دارند. (همان، ص ۶)

➤ مدل حاکمیت شرکتی آلمانی: این مدل حاکمیت شرکتی تفاوت عمده‌ای با دو مدل قبلی دارد. با وجود این برخی از عناصر آن همانند مدل ژاپنی است. در آلمان شرکت‌ها ارتباط بلندمدت با بانک‌ها دارند و همانند ژاپن، نماینده‌های بانک برای حضور در هیأت مدیره شرکت‌های آلمانی برگزیده می‌شوند. با این وجود، بر خلاف ژاپن که نمایندگان بانک تنها در زمان بروز توقیف مالی منصوب می‌شوند، حضور نمایندگان بانک در هیأت مدیره شرکت‌های آلمانی دائمی است. مدل آلمانی دارای دو هیأت مدیره با اعضای مجزاست و شرکت‌های آلمانی دارای دو ساختار هیأت مدیره شامل هیأت مدیران و هیأت نظارت می‌باشند. هیأت مدیران شامل مدیران اجرایی داخل سازمان است و هیأت نظارت متشکل از نمایندگان کارکنان و سهامداران می‌باشد. علاوه بر این، امکان

۱- مدل Anglo-US در انگلستان، آمریکا، استرالیا، کانادا، نیوزلند و چندین کشور دیگر حاکم است.

حضور یک نفر به طور همزمان در دو هیأت مدیره فوق وجود ندارد و اندازه هیأت نظارت بر اساس قوانین تنظیم می‌شود و توسط سهامداران قابل تغییر نمی‌باشد. (همان، ص ۱۰)

۴- حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی

حاکمیت شرکتی در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گرفته است و با وجود افزایش توجه به تحقیقات مربوط به حاکمیت شرکتی که توسط سازمان‌هایی همچون بانک توسعه اسلامی صورت گرفته است، اما در خصوص بنیادهای نظری حاکمیت شرکتی اسلامی ادبیات اندکی در دست است و حتی دیدگاه واحدی در کشورهای اسلامی وجود ندارد تا حاکمیت شرکتی اسلامی را تبیین کند. یکی از نظریات در مورد وظایف حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی رسیدن به مقاصد شریعت (طبق نظر غزالی) بوده که به این معنا است که بایستی بانک اسلامی بتواند در نظام بانکی وظایف شریعت را همچون حفظ مال، دین، جامعه و نسل و ... به انجام رساند. لذا مهم‌ترین مسائل مربوط به حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی را می‌توان در موارد زیر برشمرد که در ادامه به تشریح آنها می‌پردازیم. (گزارش موسسه حاکمیت شرکتی، ۲۰۱۱)

- الزام برای ایجاد بسترها و زیرساخت‌های لازم برای داشتن یک حاکمیت شرکتی خوب
- تعیین محدوده وظایف و مسئولیت‌های هیأت مدیره
- حسابرسی داخلی و ساماندهی عملیات کنترل
- برخورد یکسان و عادلانه با کلیه سهامداران و ذی‌نفعان
- افشاء و شفافیت
- تقویت سیستم نظارت شرعی (استانداردهای AAOIFI، IFSB، هیأت نظارت شرعی، واحد حسابرسی شرعی و غیره)

۱- Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

2- Islamic Financial Services Board (IFSB)

طبق مطالعات انجام شده می‌توان چارچوب حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی را بر اساس چهار اصل بنیادی عدالت، امانت، صداقت و شریعت که منبعث از ادبیات اسلامی هستند بنا نهاد. بر این اساس، بانک‌های اسلامی علاوه بر رعایت مفاد قراردادهای شرعی بانکی بایستی بر پایه انصاف و عدالت عمل نمایند و تأمین منافع تمامی ذی‌نفعان از جمله مسایلی است که لزوم توجه به حاکمیت شرکتی در موسسات مالی اسلامی را پررنگ می‌کند. در این میان تنها هدف، حمایت از حقوق سهامداران نبوده و بایستی منافع و حقوق سایر ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی اعم از سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، کارمندان، دولت و جامعه اسلامی رعایت و مورد توجه قرار گیرد. لذا رعایت تعادل و ایجاد عدالت بین ذی‌نفعان مختلف از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. با این اوصاف می‌توان گفت که حاکمیت شرکتی در حوزه مالی اسلامی بحث جدیدی نیست و اصول مالی اسلامی به نوعی دربرگیرنده مفاهیم پایه‌ای حاکمیت شرکتی خوب از جمله پاسخگویی، شفافیت و اعتماد است. (جهان‌آرا، ۲۰۱۰)

از سوی دیگر، بانکداری اسلامی با توجه به ماهیت آن الگوهای متفاوتی را نسبت به بانکداری معمولی ارائه می‌دهد ولیکن از نظر اصول حاکمیت شرکتی بخشی از ویژگی‌های مهم آن را از جمله مشارکت سهام، ریسک و مشارکت در سود و زیان را که مبنای تأمین مالی اسلامی است، در برمی‌گیرد. از این رو، مدل حاکمیت شرکتی اسلامی از تجمیع مباحث مرتبط با حاکمیت شرکتی (اصول متعارف)، انطباق با شریعت و مسئولیت‌های (ارزش‌های اخلاقی) اخلاقی و امانتداری حاصل می‌گردد. در این میان، ترتیبات مالی در بانکداری اسلامی با توجه به روابط مختلف میان ذی‌نفعان (سهامداران) و ساختار نظارتی آنها، نسبت به مدل‌های متعارف متفاوت بوده زیرا سپرده‌گذاران دارای سهم مستقیم در سرمایه‌گذاری بانک و مشارکت در سرمایه (حقوق صاحبان سهام) می‌باشند. لذا، تأمین منافع کلیه ذی‌نفعان به عنوان هدف اصلی این نظام مالی باعث می‌شود که نقش حاکمیت شرکتی در نهادهای مالی اسلامی از اهمیت قابل توجهی برخوردار گردد.

با این اوصاف، هر نظام حاکمیت شرکتی، کارکردهایی دارد که طی سازوکارهای مشخصی (مبتنی بر الگوهای مختلف) بین ارکان و بازیگران حاکمیت شرکتی تقسیم می‌شود. در این میان، مهم‌ترین کارکرد یک نظام حاکمیت شرکتی، نظارت است که شامل زیربحث‌هایی همچون مدیریت، نظارت، کنترل، حسابرسی مستقل، مشاوره مالی و حقوقی و حسابرسی داخلی است.

(همان، ص ۵۶۰) لذا در بانکداری اسلامی با توجه به ماهیتی که وجود دارد بایستی انطباق و هماهنگی فعالیت‌های مالی با اصول و معیارهای اسلامی مورد توجه قرار گیرد. لذا علاوه بر کنترل‌های داخلی^۱، مبحث حاکمیت شرعی در بانکداری اسلامی تحت مسائل ریسک شریعت و نظارت شرعی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد که میزان تطابق عملکرد بانک‌ها با اصول اسلامی توسط شورای نظارت شریعت^۲ انجام می‌شود. (امیلی، ۲۰۱۶)

با توجه به اهمیت نظام حاکمیت شرعی در نظام بانکداری اسلامی و نقش آن در بهبود عملیات تطابق، کنترل و نظارت در نهادهای مالی ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی به مقایسه حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی با نهادهای مالی متعارف پرداخته شده است. (جدول ۱)

جدول شماره (۱) - مقایسه حاکمیت شرکتی در بانکداری متعارف و اسلامی

عملیات (کارکردها)	بانکداری متعارف	بانکداری اسلامی (موارد اضافه شده)
نظارت	✓ هیأت مدیره	✓ هیأت نظارت شرعی (شریعت)
کنترل	✓ حسابرسان خارجی ✓ حسابرسان داخلی	✓ ممیزی و حسابرسی شرعی خارجی ✓ واحد حسابرسی شرعی داخلی (ISRU) ^۳
انطباق	✓ مأمور انطباق قوانین و مقررات مالی	✓ واحد انطباق با شریعت داخلی (ISCU) ^۴

با توجه به اهمیت مبحث نظارت و کنترل در انطباق فعالیت‌ها با اصول شریعت، چارچوب نظارتی برای نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی در شکل ۲ نشان داده شده است. (عمر، ۲۰۱۲)

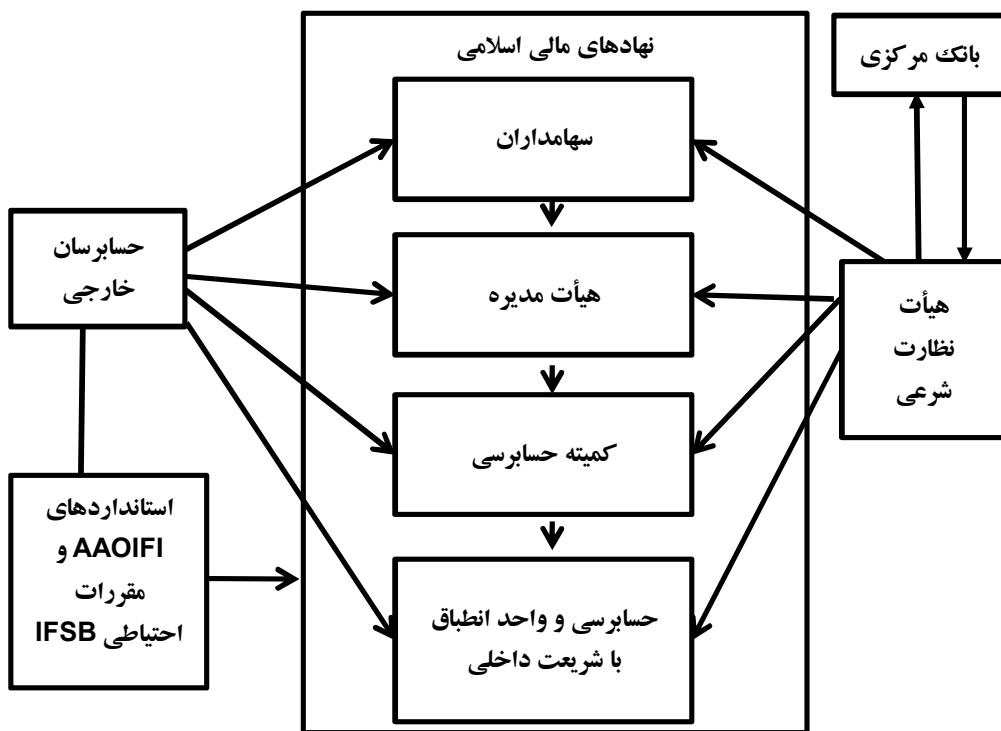
۱- کنترل داخلی در بانک‌های اسلامی به نوعی در راستای حمایت از هیأت نظارت شرعی فعالیت می‌کند.

2- Shari'a Supervisory Board

۳- Internal Shariah Review/Audit Unit (ISRU)

۴- Internal Shariah Compliance Unit (ISCU)

شکل شماره (۲) - چارچوب نظارتی انطباق با شریعت در نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی



۱-۴- اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلامی

• اصول اخلاقی تجارت (ارزش‌های اخلاقی)

مالکیت مطلق و ابدی تمام هستی بر روی زمین و آسمان از دیدگاه اسلامی به خدای متعال تعلق دارد و ما انسان‌ها تنها جانشین او هستیم. لذا مسلمانان بایستی فعالیت‌های تجاری خود را بر پایه شریعت انجام دهند و نسبت به همه افرادی که با تجارت سروکار دارند، منصف و صادقانه برخورد نمایند. بنابراین اصول اخلاقی در تجارت و رعایت کردن آن نقش موثری در گسترش و موفقیت بنگاه‌ها دارد و برای جلوگیری از رخ دادن مشکلاتی که از سر رعایت نکردن اصول اخلاقی حاصل می‌شود، بایستی فعالان اقتصادی به آگاهی از این اصول پردازند. علاوه بر این،

هر انسانی (تاجران مسلمان) در هر کسب و کار باید قواعد اخلاقی را به عنوان یک مسئولیت، پذیرا باشد.

در این راستا، اخلاق کاری اسلامی به عنوان وظیفه و چراغ راهنمای نیازهای اشخاص است و برای برقراری تعادل در زندگی اجتماعی و شخصی یک فرد، ضروری است. (عاج، ۲۰۰۵) علاوه بر این، قرآن کریم چنین می‌فرماید: «همه انسان‌ها بر اساس رفتار و اعمالشان رتبه‌بندی می‌شوند» (سوره انعام، آیه ۱۳۲) این جمله بر این مسأله دلالت دارد که هر سیستمی که فاقد جو اخلاقی و معنوی مناسب باشد، بر سیستم حاکمیتی (نظارت) به طور مناسب اثر نخواهد گذاشت. لذا می‌توان به این نتیجه رسید که اخلاقیات تجارت اسلامی زمینه ایجاد و افزایش شفافیت، عدم تناقص و تساوی در برابر قانون را فراهم می‌آورد.

• اصول تجارت اسلامی

تجارت در فارسی به معنای بازرگانی و در لغت به معنای خرید و فروش، دادوستد و معامله کردن است. تجارت یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی است که اسلام آن را به عنوان یکی از منابع درآمدهای مشروع و مباح قرار داده است. درواقع، مجموعه قوانین مبتنی بر قرآن یا همان شریعت، نه تنها آیین مذهبی را دربرمی‌گیرد، بلکه بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره، سیاست، اقتصاد، بانکداری، قانون تجارت و قراردادهای موضوع‌های اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهد.

تجارت در دین اسلام بر پایه معنویت و فضیلت و در کتب فقهی مکررا به تاجر تاکید شده است که از روی عدل و انصاف، صداقت و بی‌طرفی نسبت به دیگران رفتار نماید. زیرا هدف از تجارت فراهم ساختن وسائل رفاه عمومی در جامعه بشری است و برای رسیدن به این منظور آشنایی به دانش فقهی ضروری خواهد بود. (ایکنا، ۱۳۹۵) یکی از اصول مهم حقوق تجارت در عصر حاضر، گردش ثروت و توزیع عادلانه آن می‌باشد و در کتاب آسمانی آمده است: «ای اهل ایمان بسیاری از علما و راهبان اموال مردم را به باطل طعمه خود کرده‌اند و از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و انباشته می‌کنند و آن‌ها را در راه خدا انفاق نمی‌کنند آنان را به عذاب دردناک بشارت بده.» (سوره توبه آیه ۳۴). لذا، یکی از ممنوعیت‌های موجود در برابر سوءاستفاده از ثروت، ممنوعیت ربا است که به طور کلی به معنای رباخواری و یا بهره است. (حقی، ۱۹۹۹) این عبارت نشان می‌دهد که مزیت تجارت اسلامی، معامله صادقانه و

منصفانه است که در آن انواع استثمار از بین می‌رود. در واقع، حاکمیت شرکتی در قوانین اسلامی رهنمودهای وسیع‌تری را ارائه می‌دهد و وظایف و شیوه‌های انجام معاملات اقتصادی را برای هدایت اخلاقی مسلمانان در راستای اصول حاکمیت شرکتی متعارف، در بر می‌گیرد.

• تصمیم‌گیری

قرآن مجید دربرگیرنده اصولی است که بر زندگی مسلمانان حاکم است و از روزهای اول شکل‌گیری دولت اسلامی جمع‌آوری شده است. از دیدگاه اسلام، مفهوم اخلاقی حاکمیت شرکتی ابعاد کلی و وسیع‌تری را در نظر می‌گیرد که بحث حاکمیت (نظارت) در همه نمودهایش دلالت بر تصمیم‌گیری دارد. اخلاق اسلامی در تصمیم‌گیری نه تنها با نظارت مقامات مافوق موافق است بلکه نقش مسئولیت‌پذیری را برای انجام تعهداتی نسبت به اشخاص و گروه‌هایی فراتر از سهامداران، سرمایه‌گذاران، فروشندگان، مشتریان و کارکنان تحت تأثیر بخشش معنوی و مذهبی می‌گستراند. (ابوطیانه، ۲۰۰۹)

در اسلام، انسان‌ها به عنوان امانتداران خدا یاد می‌گیرند تا رابطه خوبی با افراد مافوق، ارباب رجوع و مدیریت برقرار و آن را تقویت کنند که با رفتارهای الهی و قوانین خدایی منطبق باشند. این مسأله حاکی از آن است که نهادهای مالی اسلامی، تصمیم‌گیری را به روش‌های وسیع‌تر و متفاوت‌تری نسبت به نهادهای متعارف انجام می‌دهند. اهمیت این مسأله تا جایی است که در آیات زیادی از قرآن حکیم و احادیث می‌توان این نکات را مشاهده کرد. قرآن کریم چنین می‌فرماید: «و در کارها با آنها مشورت کن، سپس وقتی تصمیم می‌گیری به خدا توکل کن» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)، «و کسانی که پروردگارش را اجابت کرده‌اند و نماز برپا می‌دارند و کارهایشان را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه به آنها روزی کرده‌ایم انفاق می‌کنند» (سوره شوری، آیه ۳۸)

این آیات دلالت و تأکید ویژه بر مشورت و اشخاصی که با آنها مشورت می‌کنیم، دارد. بهترین طرف‌های مورد مشورت نیز افرادی هستند که خدا را جابت می‌کنند و با داشتن ترس از او می‌توانند با عدالت منصفانه و اهمیت برابر با همه رفتار نمایند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که زندگی حقیقی در مشورت متقابل، صبر و شکیبایی و توکل بر خداوند است. لذا اسلام، مسلمانان را به کار جمعی آزادانه و جوانمردانه برای رسیدن به تصمیم‌های درست، تشویق می‌کند و شرکت‌دادن همه گروه‌ها در تصمیم‌گیری را سرلوحه خود قرار می‌دهد.

• افشاء و شفافیت

در اقتصاد اسلامی، پاسخگویی بایستی منجر به افشاء و شفافیتی منصفانه و صحیح شود و قبل از هر چیز، پاسخگویی نسبت به خدا وجود دارد. مفهوم بنیادین پاسخگویی اسلامی بر این نکته دلالت دارد که منابع مورد استفاده افراد، امانتی است در دست آنها. لذا افشای صحیح حقایق مالی و اطلاعات صحیح بایستی آزادانه در دسترس استفاده‌کنندگان قرار گیرد. مسأله دیگر، تهیه اطلاعات کافی مورد نیاز برای تصمیم‌های صحیح مالی استفاده‌کنندگان است که منجر به پرداخت زکات می‌شود که رکن سوم اسلام است. دقت در عمل، جنبه‌ای از انصاف است و این می‌تواند کمک قابل توجهی در تصمیم‌گیری‌های تجاری و اقتصادی ایفا نماید. این اصل، یکی از اصول اخلاقی نیرومند در نظام حسابداری اسلامی است و به ارتقای افشای مناسب و شفافیت در معاملات تجاری کمک می‌نماید. (ابوطیانچه، همان، ص ۵۶۳)

• دقت‌داری و حساب‌نهایی

دین اسلام همواره معامله‌های تجاری را که در آن اطمینان از منصفانه و پاسخگویی نهایی به خداوند باشد را تشویق می‌کند. در قرآن کریم نیز آیات متعددی برای نشان دادن رفتار اخلاقی به هنگام مواجهه با این اصل وجود دارد. به عنوان مثال در آیات ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره آمده است: «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، هنگامیکه تعهدی را تا مدت معینی به یکدیگر برعهده گرفتید، آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای در میان خودتان به عدالت بنگارید» و «و اگر در حال سفر هستید و نمی‌توانید نویسنده‌ای را بیابید، وثیقه‌ای بگیرید و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین شمرد، آن کس که امینش شمرده‌اند باید امانت خود را ادا نماید و هر که آن را کتمان کند، قلب او گناهکار است و خدا بر هر چه می‌کنید آگاه است».

آیات مذکور و دیگر آیات قرآنی نشان می‌دهد که مبادلات در هر معامله تجاری باید به وسیله فرد عادلانه‌ای که دارای رفتار اخلاقی متعالی است و نسبت به همه گروه‌ها می‌تواند انصاف را رعایت کند، نوشته شود. علاوه بر این، می‌توان گفت که تجارت باید با روش منصفانه و صادقانه صورت گیرد و دارایی‌ها نباید غصبی باشند و به روش قانونی کسب شوند. لذا هر معامله مالی باید در ترازنامه‌ها ذکر شود و به طور کلی هر دارایی غیر قانونی، ممنوع است. (تقی‌پوریان،

۲-۴- چارچوب مقرراتی و حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی

ایجاد قوانین، استانداردها و محدودیت‌های هدفمند جهت کنترل و هدایت بانک‌های اسلامی به شیوه‌ای که بتواند به تأمین منافع تمامی ذی‌نفعان منجر شود، باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود و مبحث هزینه‌ها خود یکی از مسائل کلیدی در حاکمیت شرکتی به شمار می‌رود. از این رو، در این بخش به معرفی و تشریح استانداردهایی که توسط سازمان‌های مختلف ارائه شده است، می‌پردازیم. درک صحیح این اصول می‌تواند زمینه اجرایی‌سازی الگوی حاکمیت شرکتی مناسب در بانک‌های اسلامی را فراهم نماید.

۱- چارچوب ملی حاکمیت شرکتی

- قوانین، کدها و دستورالعمل‌های ویژه بخش بانکداری
- قوانین و مقررات شرکت‌های بورسی
- قوانین و مقررات اختیارات قانونی شرکت‌های بورسی

۲- کدها و استانداردهای بین‌المللی

- اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD)
- دستورالعمل کمیته بال در حوزه نظارت بر حاکمیت شرکتی بانک‌ها

۳- استانداردها و کدهای ویژه مالی اسلامی و شریعت

- اصول راهنمای حاکمیت شرکتی برای موسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی توسط IFSB (به غیر از بیمه اسلامی (تکافل) و صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری)
- اصول راهنمای نظارت شرعی برای موسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی توسط

IFSB

- اصول راهنمای هدایت کسب‌وکار برای موسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی توسط

IFSB

- استانداردهای نظارتی و حسابرسی برای موسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی

توسط AAOIFI

برای داشتن بهترین چارچوب در نهادهای مالی اسلامی علاوه بر اهمیت به استانداردهای ویژه مالی اسلامی، بایستی هماهنگی و انطباق با دستورالعمل‌ها و اصول بین‌المللی از جمله OECD و کمیته بال وجود داشته باشد از این رو، در این مقاله به بررسی و مقایسه اصول بین‌المللی با اصول اسلامی جهت شناسایی استانداردهای حاکمیت شرکتی در بانک‌های

اسلامی پرداخته شده است

به منظور مقایسه اصول حاکمیت شرکتي متعارف با اصول اسلامي و همچنين براي داشتن بهترين چارچوب در نهادهاي مالي اسلامي علاوه بر اهميت به استانداردهاي ويژه مالي اسلامي، بايستي هماهنگي و انطباق با دستورالعملها و اصول بين‌المللي از جمله OECD و كميتي بال در نهادهاي مالي اسلامي وجود داشته باشد. از اين رو، در ادامه با استفاده از روش تحليلي-توصيفي، پس از معرفي اين دستورالعملها به بيان استانداردهاي اسلامي و مقايسه با آنها خواهيم پرداخت.

✓ سازمان توسعه و همكاري اقتصادي در سال ۲۰۰۴ دستورالعملي براي حاکميت شرکتي را تدوين و آن را در سال ۲۰۰۶ مورد بازنگري قرار داده است. اصول حاکميت شرکتي از ديد سازمان توسعه و همكاري اقتصادي عبارت است از:

۱- اطمینان از مبنای برای چارچوب حاکمیت شرکتي موثر (کارآمد)

چارچوب حاکميت شرکتي بايستي شفافيت و کارايي بازارها را ارتقا دهد و حاوي قوانين و قواعدي باشد که به طور آشکار به تقسيم و تفکيک مسؤليت‌ها بين امور نظارتي، قانونگذاري و اجرايي پردازد.

۲- حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیت

چارچوب حاکميت شرکتي بايستي اجراي حقوق سهامداران را تسهيل و محافظت نمايد.

۳- رفتار یکسان با سهامداران

چارچوب حاکميت شرکتي بايستي اطمینان لازم در ارتباط با رفتار مساوي با کليه سهامداران را فراهم نمايد. به طوريکه همه سهامداران فرصت‌هايي در اختيار داشته باشند تا براي نقض حقوقشان، راه جبران موثري وجود داشته باشد.

۴- نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتي

چارچوب حاکميت شرکتي بايستي حقوق ذينفعان را از طريق قوانين و يا توافق‌هاي دو جانبه شناسايي کند و همكاري فعال بين شرکتها و ذينفعان را به منظور ايجاد ثروت و توسعه پايدار براي موسسات از لحاظ مالي فراهم آورد.

۵- افشا و شفافیت

چارچوب حاکميت شرکتي بايستي در مورد افشاي دقيق و به موقع همه موارد بااهميت شرکتها (وضعيت مالي، عملکرد، مالکيت و اداره شرکتي) اطمینان ايجاد کند.

۶- مسئولیت‌پذیری هیأت مدیر

چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی به راهنمایی راهبردی شرکت، نظارت موثر مدیریت توسط هیأت مدیره و پاسخگویی وی به شرکت و سهامداران بپردازد.

اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به نوعی دربرگیرنده چهار اصل اساسی سازوکار اصول اخلاقی تجارت، سازوکار تصمیم‌گیری، افشاء و شفافیت و در نهایت دفترداری و حسابداری قطعی است. لذا همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، با مقایسه اصول حاکمیت شرکتی اسلامی و اصول OECD، می‌توان گفت که این اصول قابلیت استفاده در فعالیت‌های تجاری اسلامی را داشته و توانایی کنترل بر انجام تجارت را دارد. (ابوطیپانجه، ۲۰۰۹، ص ۵۶۷)

جدول شماره (۲) - مقایسه اصول حاکمیت شرکتی OECD و اصول اسلامی

اصول اسلامی	اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	اصول حاکمیت شرکتی
<ul style="list-style-type: none"> گسترش تجارت با چارچوب اخلاقی شریعت اعتقاد در سود و زیان تقدم عدالت و رفاه اجتماعی با تعهدات اجتماعی و معنوی 	<ul style="list-style-type: none"> گسترش شفافیت و کارایی بازار با تساوی قانون و تقسیم مسئولیت‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> اطمینان از مبنایی برای چارچوب حاکمیت شرکتی موثر
<ul style="list-style-type: none"> اموال، امانتی است از جانب خدا و او قدرت مطلق است جامعه به عنوان مجموعه ذی‌نفعان پاسخگویی نه تنها در برابر ذی‌نفعان است بلکه در برابر خداوند به عنوان مالک مطلق وجود دارد 	<ul style="list-style-type: none"> حقوق سهامداران اصلی مشارکت در تصمیم‌گیری مجامع عمومی ساختارها و تنظیم بازارها برای کنترل شرکت حقوق مالکیت به وسیله همه سهامداران فرایند مشورتی بین سهامداران نهادی و سایر سهامداران 	<ul style="list-style-type: none"> حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیت
<ul style="list-style-type: none"> عدل و انصاف به عنوان ارزش توزیع یکسان ثروت به همه ذی‌نفعان 	<ul style="list-style-type: none"> حمایت از سهامداران اقلیت و سهامداران خارجی 	<ul style="list-style-type: none"> رفتار یکسان با سهامداران

اصول اسلامی	اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	اصول حاکمیت شرکتي
<ul style="list-style-type: none"> و اعضای زیان دیده در قالب زکات و صدقه • رفاه جامعه و افراد همراه با تعهدات معنوی و اخلاقی • ایجاد احساس مساوات 		
<ul style="list-style-type: none"> • پاسخگویی اسلامی برای رستگاری و رفاه اجتماعی • رعایت تقسیم‌بندی حلال و حرام در معاملات • رفاه اجتماعی و فردی از جنبه مادی و معنوی • رسیدگی به کل جامعه 	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد ثروت، مشاغل و توسعه پایدار 	<ul style="list-style-type: none"> • نقش ذینفعان • درحاکمیت شرکتي
<ul style="list-style-type: none"> • پاسخگویی با رعایت شریعت • عدالت، تساوی، صداقت و شفافیت • پاسخگویی گسترده به طور همانند افشای شفاهی 	<ul style="list-style-type: none"> • مسائل مربوط به شرکت • وضعیت مالی • عملکرد، مالکیت و حاکمیت 	<ul style="list-style-type: none"> • افشاء و شفافیت
<ul style="list-style-type: none"> • پاسخگویی به خداوند متعال برای ایجاد موفقیت علاوه بر شرکت، هیأت مدیره و یا ذی نفعان • راهنمایی کامل و انجام مذاکره • در جستجوی مشورت برای تصمیم‌گیری در مورد ذی‌نفعان 	<ul style="list-style-type: none"> • هدایت استراتژیک • نظارت بر مدیریت • پاسخگویی به شرکت و ذی نفعان 	<ul style="list-style-type: none"> • مسئولیت‌پذیری • هیأت مدیره

✓ در راستای اصول حاکمیت شرکتي سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، کمیته بازل دستورالعمل خود را برای ترویج اصول نظام راهبري شرکتي سالم برای سازمان‌های بانکی مورد بازنگری قرار داده است و در سال ۲۰۱۰ اصول چهارده‌گانه خود را به منظور بهبود حاکمیت شرکتي، با تأکید بر حوزه‌های کلیدی از جمله کارهای هیأت مدیره، مدیریت ارشد، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، حقوق و دستمزد، ساختارهای شرکتي

غیرشفاف یا پیچیده و در نهایت افشا و شفافیت منتشر کرده است. برخی از این اصول عبارتند از: (کردلوئی و دیگران، ۱۳۹۱)

- تعیین مسئولیت‌های هیأت مدیره بانک‌ها در جهت اجرای حاکمیت شرکتی صحیح در بانک‌ها

- تدوین فرآیندهای حاکمیتی شرکتی و تعریف ابزارهایی برای حصول اطمینان از اجرای صحیح فرآیندها

- ایجاد یک نظام موثر برای پایش داخلی و واحد مدیریت ریسک در بانک‌ها با تفویض اختیارات کافی و استقلال لازم برای شناسایی و ارزیابی مستمر انواع ریسک‌ها

- برقراری نظام مناسب جبران خدمات کارکنان در راستای کاهش انواع ریسک‌ها

- ارائه اطلاعات شفاف به ذی نفعان از جمله سهامداران

✓ با توجه به ماهیت فعالیت بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های متعارف، هیأت خدمات مالی اسلامی (IFSB) نیز اصولی را که عمدتاً برگرفته از اصول بالا بوده، در سال ۲۰۰۶ منتشر کرده است. این مجموعه شامل ۷ اصل الزامات احتیاطی در حوزه حاکمیت شرکتی برای نهادهایی است که به ارائه خدمات مالی اسلامی می‌پردازند. این دست‌رعمل حاکمیت شرکتی به ۴ بخش زیر تقسیم می‌شود: (سجاد احمد، ۲۰۰۷)

۱) رویکرد کلی حاکمیت در نهادهای مالی ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی

۲) حقوق و منافع صاحبان حساب سپرده سرمایه‌گذاری

۳) انطباق با قوانین و اصول اسلامی شریعت

۴) شفافیت گزارش‌های مالی در ارتباط با حساب‌های سرمایه‌گذاری

در ادامه به تشریح برخی از اصول حاکمیت شرکتی که توسط این هیأت تهیه و به

موسسات علاقه‌مند به اجرای آن ارائه شده است می‌پردازیم: (میثمی، ۱۳۹۲)

اصل اول: موسسات خدمات مالی اسلامی می‌بایست چارچوب حاکمیتی جامعی برای خود تعریف نمایند که در آن نقش و وظایف راهبردی هر یک از عناصر حاکمیتی مشخص گشته و فرآیندهایی نیز برای ایجاد پاسخگویی عادلانه موسسات در قبال تمامی ذینفعان در نظر گرفته شود.

اصل دوم: موسسات مالی اسلامی باید اطمینان حاصل کنند که گزارشگری اطلاعات مالی و غیرمالی آنها مطابق با استانداردهای شناخته شده بین‌المللی حسابداری موسسات مالی اسلامی می‌باشد.

اصل سوم: لازم است موسسات مالی اسلامی، حقوق صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری در زمینه پایش دائمی عملکرد موسسه مالی را به رسمیت شناخته و ابزار کافی برای تضمین اعمال این حقوق در نظر بگیرند.

اصل چهارم: مناسب است موسسات مالی اسلامی، راهبرد سرمایه‌گذاری صحیحی را متناسب با انتظارات ریسک و بازده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری اتخاذ نموده و در خصوص تعدیل هر نوع بازده نیز با شفافیت عمل نمایند.

اصل پنجم: لازم است موسسات مالی اسلامی مکانیزم مناسبی جهت دستیابی به دیدگاه متخصصین شریعت در رابطه با تمامی محصولات، عملیات و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد، در اختیار داشته باشد.

اصل ششم: لازم است موسسه مالی اسلامی خود را ملزم به اجرای دقیق تمامی اصول و احکام شریعت که توسط متخصصین مرتبط ارائه می‌شود نماید. همچنین لازم است موسسه این مقررات را در اختیار عموم قرار دهد.

اصل هفتم: لازم است موسسات مالی اسلامی اطلاعات مرتبط و اساسی در خصوص حساب‌های سرمایه‌گذاری که مدیریت می‌نمایند را به صورت کافی و به موقع جهت استفاده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و عموم مردم افشا کنند.

✓ یکی از موضوعات مهم دیگری که مورد توجه هیأت خدمات مالی اسلامی قرار گرفته است، مسئله حاکمیت و یا نظارت شرعی می‌باشد که در این زمینه نیز استاندارد جامعی ارائه و تلاش شده است اصول احتیاطی مرتبط با آن ارائه گردد. از جمله اصول مطرح شده در این استانداردها به شرح زیر می‌باشد: (IFSB، ۲۰۰۹)

بخش اول: رویکرد عمومی نسبت به نظارت شرعی

اصل ۱-۱- ساختار نظارت شرعی که توسط نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی اتخاذ می‌گردد، بایستی متناسب با اندازه، پیچیدگی و طبیعت فعالیت‌های آنها باشد. (یک الگوی خاص قابل تعمیم به تمامی کشورها نیست)

اصل ۱-۲- نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی در ارتباط با اعضای هیئت مدیره شریعت بایستی اطمینان حاصل نمایند که شرایط لازم برای انجام وظایف و مسئولیت‌های خود را داشته باشند؛ فرآیند عملیاتی و روش‌های گزارش‌دهی به خوبی تعریف شده است و درک خوب و آشنایی کامل با اخلاق و رفتار حرفه‌ای داشته باشند. (برای انجام وظیفه و داشتن حسن نیت، مراقبت، مهارت و سرسختی نسبت به سهامداران).

بخش دوم: ارزیابی صلاحیت و شایستگی

اصل ۱-۲- نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی باید اطمینان حاصل کند که هر فردی که مسئولیت انجام نظارت شرعی را برعهده دارد از ویژگی‌های مورد قبول و شایستگی لازم برخوردار می‌باشد.

اصل ۲-۲- نهادهای مال اسلامی بایستی به طور مستمر اقدام به آموزش حرفه‌ای و افزایش کارایی افرادی نمایند که به عنوان اعضای هیأت شریعت به خدمت‌رسانی می‌پرازند و یا در بخش‌های مربوط به واحد حسابرسی شرعی داخلی و یا انطباق با شریعت به فعالیت می‌پردازند.

اصل ۲-۳- لازم است یک ارزیابی رسمی از اثربخشی فعالیت‌های هیأت شریعت به عنوان یک کل و میزان سهم هر یک از اعضا در میزان کارایی هیأت شریعت صورت گیرد.

بخش سوم: استقلال

اصل ۱-۳- هیأت شریعت بایستی نقش نظارتی مستقل و قوی همراه با توانایی کافی برای اتخاذ تصمیمات لازم در ارتباط با موضوعات شرعی داشته باشند. هیچ فرد و یا گروهی مجاز به داشتن تسلط و ایجاد تحمیل بر تصمیم‌گیری‌های هیأت شریعت نخواهد بود.

اصل ۲-۳- در ارتباط با انجام مسئولیت‌ها بایستی اطلاعات کامل، کافی و به موقع از عملکرد نهادهای مالی اسلامی قبل از جلسات و به طور مداوم برای اعضای هیأت شریعت فراهم گردد.

بخش چهارم: محرمانه بودن اطلاعات

اصل ۱-۴- اعضای هیأت شریعت بایستی اطمینان حاصل نمایند که اطلاعات داخلی کسب‌شده برای انجام وظیفه آنها، محرمانه و دور از دسترس عموم نگه‌داشته می‌شود.

بخش پنجم: ثبات و پایداری

اصل ۱-۵- نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی بایستی درک کاملی از چارچوب قانونی و

مقرراتی خود برای انتشار راهکارهای شرعی در ارتباط با حوزه‌های مختلف عملکردی را داشته باشند. علاوه بر این، لازم است هیأت شریعت به شدت از چارچوب‌های مذکور پیروی و به ترویج و ارتقای استانداردهای نظارت شرعی پردازند.

✓ سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسه‌های مالی اسلامی (AAOIFI) نیز به انتشار استانداردهای مختلف در حوزه شریعت و اسلامی برای نهادهای مالی اسلامی در قالب دو مجموعه که به ترتیب عبارتند از «استانداردهای شرعی برای موسسات مالی اسلامی»^۱ و «استانداردهای حسابداری، حسابرسی و حاکمیتی برای موسسات مالی اسلامی» پرداخته است. لازم به ذکر است که برخلاف استانداردهای هیأت خدمات مالی اسلامی که بیشتر کلی بوده و اصول احتیاطی مرتبط با انجام نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی را مطرح می‌نماید، استانداردهای AAOIFI جزئی بوده و تلاش می‌کند که به صورت موردی برای نظارت بر اکثر فعالیت‌هایی که یک مؤسسه مالی انجام می‌دهد، استاندارد ارائه دهد. مجموعه دوم این مؤسسه مشتمل بر ۲۶ استاندارد حسابداری، ۵ استاندارد حسابرسی، ۷ استاندارد نظارتی و ۲ کد اخلاقی است که عمده اصول و استانداردهای مطرح شده در حوزه حاکمیتی (نظارت شرعی) به شرح زیر می‌باشد. (AAOIFI، ۲۰۱۵)

۱) فرایند اجرایی هیئت نظارت شریعت: انتصاب، ترکیب و گزارش‌دهی

۲) بررسی شریعت

۳: بررسی داخلی شریعت

۴: کمیته حسابرسی و نظارت برای نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی

۵: استقلال شورای نظارتی شریعت

۶: الزامات و توضیحات لازم در ارتباط با اصول حاکمیت و نظارت برای نهادهای ارائه‌دهنده

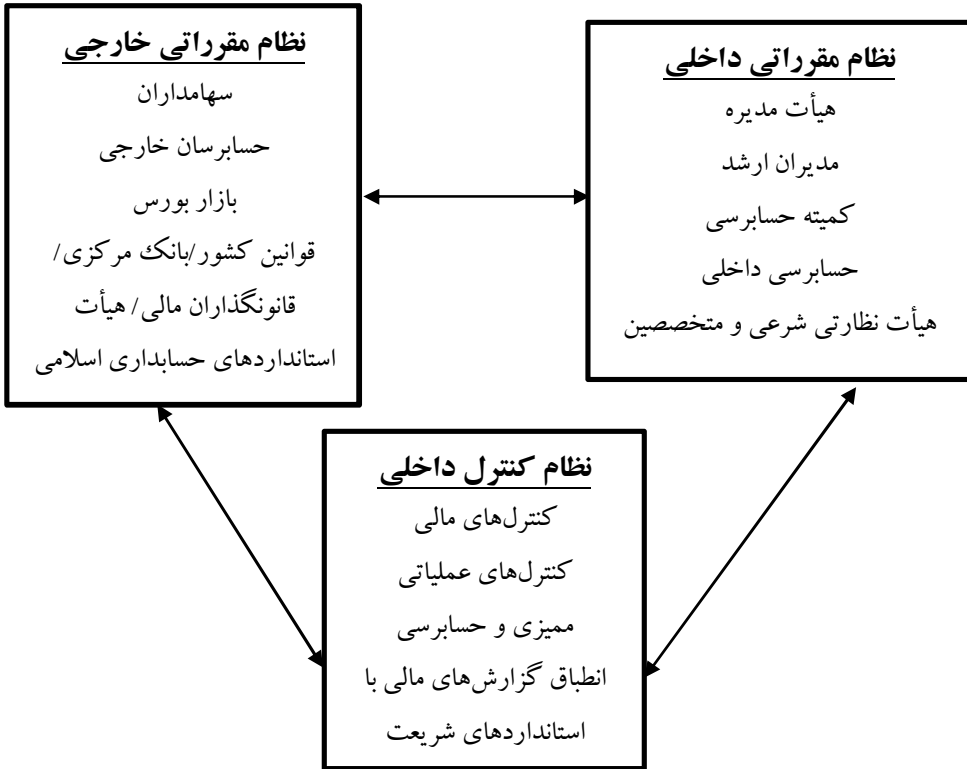
خدمات مالی اسلامی

۷: مسئولیت اجتماعی و شفافیت در نهادهای موسسات مالی اسلامی

با توجه به استانداردها و مقررات موجود در حوزه حاکمیت شرکتی بانک‌های اسلامی می‌توان

گفت که بحث نظارت (حکمرانی) شرعی از اهمیت بالایی در این حوزه برخوردار می‌باشد. لذا، ساختار مفهومی حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی را می‌توان در شکل ۴ ترسیم نمود.

نمودار شماره (۴) - ساختار حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی



در این میان با وجود استانداردها و دستورالعمل‌های موجود در حوزه حاکمیت شرکتی اسلامی می‌توان چالش‌های پیش‌روی نهادهای مالی اسلامی در این حوزه را به شرح زیر بیان نمود:

- سطح پایین نقدینگی
- عدم شفافیت و اطمینان از اطلاعات و داده‌های آماری

- عدم همگرایی در حوزه قوانین و مقررات و چالش‌های مربوط به انطباق استانداردهای بین‌المللی با اصول شریعت
- مشکلات مربوط به ورشکستگی نهادهای مالی اسلامی و ابهامات موجود در زمینه حقوق بدهکاران و روابط میان ذی‌نفعان
- محدودیت در منابع و سرمایه انسانی از جمله متخصصین شرعی
- پایین بودن میزان نوآوری

نتیجه‌گیری

حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از نظام‌ها، فرآیندها و ساختارهایی است که با استفاده از سازوکارهای درون‌سازمانی نظیر هیأت مدیره، کنترل‌های داخلی اداری و حسابداری، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک و نیز سازوکارهای برون‌سازمانی مانند نظارت قانونی، نظام‌های حقوقی، بازار سرمایه، نظارت سهام‌داران عمده، حسابرسی مستقل و مؤسسات رتبه‌بندی، در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذی‌نفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحد تجاری و مالی است. در این راستا، حاکمیت شرکتی اسلامی با توجه به رعایت معیارهایی چون ارزش‌های اخلاقی و حفظ منافع و حقوق تمامی ذی‌نفعان (نه فقط سهامداران) در چارچوب قوانین شریعت (امانت و عدالت) نسبت به نظام بانکداری متعارف متمایز بوده، لذا اجرا و پیاده‌سازی و رعایت صحیح و واقعی حاکمیت شرکتی نیازمند به مدیریت و نظارت اسلامی در بانک‌ها می‌باشد. از این‌رو، نظارت شرعی و لزوم هیأت‌نظارتی شریعت برای اطمینان از انطباق فعالیت‌ها با اصول شریعت در نظام بانکداری اسلامی یکی از مسائلی است که در حاکمیت شرکتی بانک‌های مذکور از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به دلیل ماهیت بانکداری اسلامی، الگوهای رایج حاکمیت شرکتی در بانکداری مرسوم جهانی که بر اساس نظام دریافت و پرداخت بهره استوار است، مورد قبول جوامع اسلامی از جمله ایران نمی‌باشد. لذا الگوبرداری از نظام حاکمیت شرکتی نظیر آنچه که در کشورهای غربی مورد استفاده قرار می‌گیرد، کارایی چندانی نخواهد داشت. از سوی دیگر، استانداردها و اصول حاکمیت شرکتی ارائه‌شده توسط نهادهای بین‌المللی از جمله OECD، کمیته بال و IFSB قابلیت انطباق با قوانین نظام بانکداری اسلامی کشورهای مختلف از جمله

ایران را دارد. بنابراین، اجرای این اصول در صورت رعایت دقیق قوانین یادشده با الزام بانک مرکزی و قانونگذاران می‌تواند منجر به افزایش کارایی و ایجاد یک حاکمیت شرکتی اسلامی و موثر گردد.

با این اوصاف می‌توان گفت، حاکمیت شرکتی موثر و مناسب، ضامن رعایت اصول شرعی و اعتقادی در بانکداری اسلامی، کاهنده ریسک‌های مالی ذی‌نفعان و کلان اقتصاد اسلامی و افزایش کارایی و اثر بخشی نظام بانکداری اسلامی است و بایستی به موضوع حاکمیت شرکتی نگاهی نظام‌مند داشت. از این رو تدوین و طراحی چارچوب جامع حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی که بایستی دربرگیرنده حقوق اقلیت سهامداران از جمله دارندگان حساب سرمایه‌گذاری باشد، الزامی است. در این راستا به منظور پیاده‌سازی یک الگوی حاکمیت شرکتی موثر به منظور کاهش ریسک‌های مالی و افزایش ثبات سیستماتیک در بانک‌های اسلامی از جمله ایران، پیشنهادات زیر مطرح می‌گردد:

- اطمینان در ایجاد بستر و زیرساخت‌های لازم برای داشتن یک چارچوب نظام‌مند (اثربخش) حاکمیت شرکتی.
- برطرف نمودن چالش‌های نظارتی و کنترلی در استقرار حاکمیت شرکتی بانک‌ها. در این راستا، بایستی ساختار نظارت شرعی که توسط نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی اتخاذ می‌گردد، متناسب با اندازه، پیچیدگی و طبیعت فعالیت‌های آنها باشد.
- بازبینی قوانین و رفع چالش‌ها و نواقص قانونی موجود در نظام حاکمیت شرکتی بانک‌ها. لذا پیشنهاد می‌شود که اجرای کدها و قوانین حاکمیت شرکتی برای نهادهای مالی اسلامی طبق قانون ایجادشده اجباری گردد. در این زمینه، مقامات نظارتی نیز بایستی استانداردهای لازم برای انطباق با کلیه قوانین و مقررات و همچنین مسئولیت‌های مربوط به حاکمیت شرکتی را منتشر نمایند.
- ایجاد نهاد و سازمان‌هایی به منظور تقویت حاکمیت شرکتی در بازارهای مالی اسلامی از طریق ارزیابی مستمر حاکمیت شرکتی و ایجاد یک سیستم رتبه‌بندی حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها و نهادهای مالی منطبق با شریعت
- ارتقای آموزش و سطح دانش مدیریتی در نظام بانکی به منظور حفظ منافع بانک و همچنین تحقق کلیه منافع ذی‌نفعان

- افزایش سطح شفافیت و افشای اطلاعات (مسئولیت‌های هیأت مدیره) از طریق انتشار گزارش‌های حاکمیت شرکتی به عنوان بخشی از گزارش‌های سالیانه بانک‌ها.

منابع

- پایگاه خبری ایقنا. (۱۳۹۵). **اهمیت و جایگاه تجارت در اسلام**، سایت اینترنتی <http://www.iqna.ir>
- تقی‌پوریان، یوسف، خلیل پور، مهدی. (۱۳۸۸). **حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلامی**، **مجله حسابداری**، شماره ۲۰۸ و ۲۰۹، صفحه ۷۱.
- کردلوئی و دیگران. (۱۳۹۱). **استقرار حاکمیت شرکتی در موسسات مالی ایران**، **فصلنامه دانش حسابداری و مدیریت**، شماره دوم، ص ۹۳ و ۹۴.
- میثمی، حسین. (۱۳۹۲). **حاکمیت شرکتی، نظارت و مقررات احتیاطی در موسسات مالی اسلامی: گزارش پنجمین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی**، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.
- باقری، احسان. (۱۳۹۳). **تعریف درست بانکداری شرکتی**، **مجله توسعه صادرات**، شماره ۱۱۸.
- بورتسوجی، مرضیه (۱۳۹۰). **سیر تحول تعاونی‌ها در مالزی** برگرفته از <http://seiretahavol.blogfa.com/post-39.aspx>
- رابطی، رئوف. (۱۳۹۴). **بانکداری شرکتی و ارزش آفرینی برای مشتریان**، **ماهنامه سازمان برتر**، شماره ۱۰.
- سرمد، غلامعلی. (۱۳۷۲). **مروری بر بانک رعیت مالزی**، **مجله تعاون**، شماره ۳۰.
- سعیدی، جواد. (۱۳۹۳). **بانکداری شرکتی مدل جدید کسب‌وکار و توسعه صادرات**، **دنیای اقتصاد**، شماره ۳۳۲۳.
- لارنتیس، جیاکومو. (۱۳۹۳). **بانکداری شرکتی: استراتژی و ساختار**، ترجمه ابوالفضل جعفری و دیگران، چاپ اول، انتشارات جهان نو.
- **مدل بانکداری شرکتی**. (۱۳۹۵)، برگرفته از سایت **تحلیل بانک** <http://tahlilbank.com/1395/388>

- Ali AJ (2005), Islamic perspectives on management and organization. Cheltenham: Edwar Elgar; p. 52.
- Geoffrey Mazullo (2011), Three Models of Corporate Governance. Lectures on Corporate Governance EWMI/PFS Program
- Grais, Wafik, and Matteo Pellegrini (2006), Corporate Governance and Stakeholders' Financial Interests in Institutions Offering Islamic Financial Services, World Bank Policy Research. Working Paper 4053.

- Haqqi ARA.(1999). The philosophy of Islamic law of transactions. Kuala Lumpur: Univision Press.
- Hawkamah, (2011). Policy Brief on Corporate Governance for Islamic Banks and Financial Institutions in the Middle East and North Africa Region, PP 40-44.
- IFSB (2009). Guiding Principles on Shariah Governance Systems for Institutions Offering Islamic Financial Services, IFSB.
- Khandelwal, S. K., & Aljifri, K. (2016). Corporate governance in Islamic banks: A comparative study of conservatives, moderates, and liberals. *Journal of Corporate Ownership & Control*, 13(4-4), 566-574.
- Mahmoud Abu-Tapanjeh, Abdussalam (2009), Corporate governance from the Islamic perspective:A comparative analysis with OECD principles, *journal of Critical Perspectives on Accounting* , No. 20, pp 556–567.
- Mustafa Ansari, Omar. (2012), Governance for Islamic mutual fund industry, presented in conference on islamic Funds & Investment, Alhuda CIBE.
- Peni, Emilia and Vähämaa Sami (2012), Did Good Corporate Governance Improve Bank Performance during the Financial Crisis? *Journal of Financial Services Research*, vol. 41, issue 1, 19-35.
- Sajjad Ahmad, Jahanara (2010), Corporate Governance in Islamic Banks, Working paper, The institute for corporate governance- HAWKAMAH
- Samra, Emily (2016). Corporate Governance in Islamic Financial Institutions. Student Paper. University of Chicago Law School Chicago Unbound. PP 7-10.
- Spong, Kenneth and Sullivan, Richard, (2007). Corporate Governance and Bank Performance, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1011068> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1011068>
- The Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (2015), Accounting, Auditing and Governance Standards Governance Standards issued by AAOIFI. <https://aaofi.com>
- Umer Chapra, M & Ahmed, H. (2002). Corporate governance in Islamic Financial Institutions, Islamic Development Bank, Working paper, , No.6.